

متن پرسش

باسمه تعالی سلام علیکم استاد گرامی (خواهش می‌کنم سوال و جوابم کاملاً محرمانه بماند و لطفاً پاسخ به ایمیل ارسال گردد.) بنده از جنابعالی یک سوال کلی دارم که خیلی از اوقات به جواب آن نیاز دارم و بخصوص در این زمان مشکلی که در ذیل مطرح می‌کنم مرا بر آن واداشته که دنبال جواب سوالم بگردم: و اما سوال کلی من: انسانی پیوسته می‌گوید خدایا راضیم به رضای تو، اما زمانی که در معرض یک امتحان قرار می‌گیرد و هنگام اتخاذ تصمیم نمی‌داند که رضای خدا در چیست، چنین شخصی چه باید بکند؟ در واقع می‌خواهم بدانم چگونه خدا به بعضی انسانها در استجابات "افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد" نشانی می‌دهد و آن‌ها را از آن کاری که به صلاحشان بوده و خیر دنیا و آخرت در آن است آگاه می‌کند؟ دختری ۳۹ ساله ام خواستگاران زیادی داشتم هر کدام را به دلایل معنوی و عقاید رد کردم مرد ایده آل خود را کسی می‌دانستم که غیر از اینکه می‌گویند فلانی مومن است نماز می‌خواند، روزه هم می‌گیرد از واجبات دیگر مستحبات و مکروهات و حرامات هم بدانند و به آنها عمل کند. از این رفت و آمدها خسته شده بودم به زیارت امام رضا(ع) رفتم و متوسل شدم و شریطی را از خدا خواستم که نخواهم اینقدر در حضور خواستگاران حاضر شوم و بعد از این آن کسی بیاید که مورد رضای خداست. قسمتی از دعایم مستجاب شد و به یکباره خواستگاران کم شدند اما آنها که می‌آمدند باز مانند قبلی‌ها بودند و تا کنون که ۳۹ سالم تمام شده (دیمه‌ماه ۹۰) هنوز ازدواج نکرده‌ام، با وجودی که بسیار دعا و نذر و نیاز می‌کنم. از ابتدای سال ۹۰ شروع به برداشتن ختم‌های ۴۰ روزه کرده‌ام، هر ۴۰ روز تعدادی از دعاها، اذکار، زیارات، نمازها و قرائت سور قرآن کریم، به تعداد عددی از اعداد مقدس مانند ۴۰ سوره حشر، یس، نباء، واقعه، نور، ۴۰ نماز امام زمان، ۴۰ زیارت عاشورا، ۴۰ شب زیارت امام رضا(ع) بعد از نیمه شب، ۱۰۰۱ سوره قدر به نام امام رضا(ع)، دعای مقاتل بن سلیمان، دعای سریع الاجابه، ۱۱۰ مرتبه دعای نادعلی، دعای توسل، استغفار، حدیث کساء، حرز حضرت فاطمه (س) و... تا اینکه در دهه عاشورا یکی از همکارانم مرا برای مردی خواستگاری کرد. یک مرد که در شرف طلاق همسرش است و یک پسر ۱۳ ساله دارد. ظاهراً آدم خوب، متشرع و دینداری است و احتمالاً پس از صحبت با ایشان به نتیجه مطلوبی برسم اما من توانایی کنار آمدن با چنین شرایطی را ندارم بعلاوه اینکه برای خانواده ام چنین شرایطی بسیار غیر قابل قبول است. بدون اینکه با کسی صحبتی کنم به تعداد ۳۱۳ مرتبه "افوض امری الی الله..." گفتم و سپس جواب منفی دادم، ولی بعد از ۹ هفته دوباره مطرح شد. بخاطر وجود یک پسر ۱۳ ساله با آن مشکلاتی که نوجوانان بخصوص پسران در سن بلوغ دارند از یک طرف و به خاطر خانواده ام و حرف مردم از طرف دیگر این قدرت را در

خود نمی بینم که شرایط موجود را ساده انگارم و برای صحبت و آشنایی بیشتر اعلام آمادگی نمایم. اما پیوسته این فکر مرا بخود مشغول داشته که نکند رضای خدا در همین است و این یک امتحان بزرگ برای من است؟ از خدا می خواهم به من یک نشانی بدهد که بدانم باید چه کنم و نهایتاً چه جوابی بدهم؟ هیچکس جز خدا از حال درونی من آگاه نیست پیوسته بدنبال موقعیتی هستم که پدر و مادرم از خانه بیرون روند و من با حالت عجز و ناتوانی بنده گنهکاری که به بن بست رسیده و هیچ راهی برای حل مشکلش سراغ ندارد جز اینکه با حال توجه به درگاه احدیتش تضرع و زاری کنم که خدایا اگر من آن کسی که لیاقتش را ندارم برای ازدواج از تو می خواهم ولی یا قاضی الحاجات تو ارحم الراحمینی و از فضل خود اجابتم خواهی کرد اما چه کنم که من صبرم کم است ، خدایا خودت خوب می دانی که روزها و شب ها را به سختی می گذرانم و بخصوص شبها با توسل به ائمه آرام می گیرم. استاد معزز از جنابعالی استدعا دارم: ۱- التماس دعای فراوان چون خیلی درمانده ام . ۲- پاسخ سوال کلی بنده را بفرمایید. ۳- اگر ممکن است در مشکل مذکور، بنده را راهنمایی بفرمایید چه کنم ؟ خداوند حافظ و نگهدار شما باشد و عاقبت بخیرتان گرداند. متشکرم.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: دلیل ندارد که خواستگار جدید را ردّ کنید، چه اشکال دارد اگر برای آن پسر ۱۳ ساله مادری کنید و مشکلاتی که پیش می آید را به کمک پدرش مرتفع سازید، اگر خواستگارتان مرد فهمیده و متدینی است، موضوع را با خانواده تان در میان بگذارید و به آن ها دل داری دهید که نگران نباشند. موفق باشید